

# این جا آدم بزرگ‌ها حوصله بازی دارند

مهدی طهوری

کرد. این درد کاملاً از درون بدن او بود. درست همان احساس را داشت که انگار می‌خواهد تیغ پرتاب کند. خیلی دوست داشت نفس عمیقی بکشد، اما نمی‌توانست. خاطره آرامی از تنفس داشت؛ از زمانی که او هنوز یک درخت بود. اما از آن روزگار مدت‌ها گذشته و سپری شده بود. ایگل کوچک بی‌حرکت کنار پنجره ایستاده بود و به آن پایین باغ، نگاه می‌کرد. «راشین خیریه، تصویرگر کتاب‌های کودک و نوجوان، مربی یکی از این کارگاه‌هاست. او درباره کارگاه تصویرگری‌اش می‌گوید: «من به عنوان مربی تصویرسازی در کارگاه آموزش تصویرسازی، به همراه عده‌ای از تصویرگران ایرانی و اروپایی، فعالیت دارم و باید بگویم لحظات شیرینی را در کنار بچه‌ها سپری می‌کنم.»

کلاس‌های نقاشی آن‌ها به شکل گروهی و با مشارکت بچه‌ها تشکیل می‌شود. ابتدا مربیان هر یک از گروه‌ها، ترجمه یک داستان اروپایی را به صورت قصه برای بچه‌ها می‌خوانند و سپس بچه‌ها به کمک مربیان‌شان، شروع می‌کنند به تصویرسازی تا سرانجام به یک طرح جامع برسند. راشین خیریه در این باره می‌گوید: «مربیان آن‌چه را خود به تجربه آموخته‌اند، در اختیار بچه‌ها قرار می‌دهند و سعی می‌کنند هر روز تکنیک و شیوه جدیدی را به بچه‌ها آموزش دهند. ارتباط میان مربیان خارجی با کودکان ایرانی، بسیار جالب و خوب است و بچه‌ها از کار با مربیان‌شان لذت می‌برند.»

این تصویرگر کتاب‌های کودکان، جشنواره ادبیات کودک و نوجوان ایران و اروپا را کلاً حرکت زیبایی‌ارزیابی می‌کند و ادامه می‌دهد: «این جشنواره، نه یک اتفاق ساده، بلکه پروژه‌ای است با برنامه‌ریزی و اهداف والا. من شاهد تلاش جمع زیادی از استادان این رشته، در این جشنواره هستم. این جشنواره گام مؤثری به سمت مشارکت فرهنگی برون‌مرزی است؛ گویی جهانی کوچک متشکل از ملل و سنن متفاوت، گرد هم آمده‌اند تا اطلاعات و تجربیات‌شان را در زمینه کودک و نوجوان، در اختیار هم بگذارند.

جشنواره «ادبیات کودک اروپایی در ایران»، از یک تا هفدهم مهرماه، در مرکز آفرینش‌های ادبی و هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برپا شد. مراسم افتتاحیه جشنواره ۱۷ روزه ادبیات کودک اروپایی در ایران، عصر چهارشنبه، اول مهرماه، با حضور جمعی از نویسندگان، مشاوران و تصویرگران ادبیات کودک و نوجوان، برگزار شد و طی آن سیدمهدی شجاعی، قائم مقام کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، دکتر فلنر، مدیر انجمن فرهنگی اتریش، مصطفی رحماندوست و اشتفان شوارتز، مسئول پروژه مؤسسه x-change در ایران، سخنرانی کردند.

جشنواره «ادبیات کودک اروپایی در ایران»، به گمان بسیاری از صاحب‌نظران، فرصتی استثنایی برای انتقال ادبیات کودک ایران به دنیا بود، اما این جشنواره چقدر توانست در این راه موفق باشد، سؤالی است که ما سعی می‌کنیم به قسمتی از آن، در این گزارش پاسخ بدهیم.

## کارگاه‌های تصویرگری و ادبی

باز هم کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، سراپا رنگ و نور است. صدای بچه‌ها در سالن حجاب می‌پیچد و این بار، بچه‌ها نخستین تجربه جدی و کارگاهی تعامل میان ادبیات کودک و نوجوان اروپایی را با ادبیات کودک و نوجوان ایرانی تجربه می‌کنند.

دختر بچه‌ها با روپوش‌های آبی و مقنعه‌های سفید و پسر بچه‌ها بعضاً با روپوش مدرسه و اغلب رها از این قید و بنده گشت می‌زنند و ناخودآگاه به جشنواره ادبیات کودک اروپایی رونق می‌دهند.

از هیجان‌انگیزترین قسمت‌های این جشنواره، کارگاه‌های تصویرگری و کارگاه‌های ادبی است. در کارگاه‌های تصویرگری، کودکان برای قصه‌هایی که مربیان تعریف می‌کنند، تصویر می‌کشند:

«یک بار در اکتبر بود که ایگل (جوجه تیغی)، یک درد نادر را حس

جمعی از نویسندگان، تصویرگران، پژوهشگران، بازیگران و مربیان ایرانی و اروپایی سعی دارند با زبان کودکان که یک زبان بین‌المللی است و مرزی نمی‌شناسد، دنیای زیبایی از شعر و هنر و موسیقی را به کودکان هدیه بدهند. «ابوالفضل همتی آهویی، مسئول بخش تصویرگری این جشنواره نیز از ارتباط مربیان خارجی با کودکان ایرانی، به وجد آمده است. او می‌گوید: «شیوه برخورد نویسندگان و تصویرگران اروپایی با کودکان، بسیار عالی است. روش کارشان به این ترتیب است که به کمک چیزهای پیش پا افتاده و راه‌های خیلی آسان، بچه‌ها را جذب می‌کنند.»

عجیب است که مربیان کانون، در هیچ کدام از کارگاه‌ها حضور ندارند! اگر

آن‌ها حضور داشتند، این کارگاه کلاس درسی برای‌شان می‌شد و می‌توانستند بعدها آموخته‌های‌شان را در کلاس‌های خودشان پیاده کنند. اما حالا تجارب بکر کارگاه‌ها، فقط محدود می‌شود به نویسنده یا تصویرگر ایرانی. برویم سراغ کارگاه‌های ادبی.

در کارگاه‌های ادبی، کار به نوع دیگری صورت می‌پذیرد. در این کارگاه‌ها، برای تصویری که از سوی مربیان ارائه می‌شود، بچه‌ها قصه می‌نویسند. معصومه انصاریان، نویسنده عرصه کودک و نوجوان، مسئولیت یکی از این کارگاه‌ها را به عهده دارد؛ کارگاهی که نویسندگان ایرانی و اروپایی، به صورت مشترک برای بچه‌ها برگزار کرده‌اند. هشت کارت پستال مبنای کار قرار گرفته و نویسندگان به نوبت، وقت سه ساعته کارگاه را تنظیم کرده‌اند. انصاریان در این باره می‌گوید: «اول نویسنده ایرانی یا اروپایی، فضایی به وجود می‌آورد و بچه‌ها را تشویق می‌کند که بنویسند. بعد نوشته‌های بچه‌ها خوانده می‌شود و مربیان، آن‌ها را تشویق می‌کنند. همین که بچه‌ها به نوشتن

ترغیب شوند، محور اصلی این کارگاه‌هاست.»

انصاریان درباره کم و کیف این کارگاه‌ها می‌گوید: «این کارگاه‌ها برای بچه‌ها خیلی جالب است. برای نویسندگان ایرانی و اروپایی هم که کنار هم قرار گرفته‌اند، تجربه خیلی خوبی به همراه دارد. مترجمانی هم این جا هستند که خواسته‌های نویسنده‌های اروپایی را برای بچه‌ها ترجمه می‌کنند، ولی این مترجم‌ها خیلی قوی نیستند و تخصص‌شان در حد برگرداندن مکالمات خیلی عادی و روزمره است. جاهایی که قرار است حس و حال داستانی و حس و حال نوشته‌های بچه‌ها و تأکیده‌های نویسنده‌ها را انتقال بدهند، کم می‌آوردند.»

از خانم انصاریان می‌خواهم درباره یکی از تجربیاتش از این کارگاه‌ها توضیح بدهم. او می‌گوید: «یک بار من بچه‌ها را به یک سفر فضایی بردم. سوار هواپیمای‌شان کردم و به سفر رفتیم. بچه‌ها دل‌شان نمی‌خواست برگردند. کمربندها را بسته بودند و می‌رفتند؛ یک نفر رفت به بهشت، یک نفر رفت به کره مریخ و آن جا خیلی سردش شد، یک نفر رفت مشهد و...»

ارزیابی انصاریان از این کارگاه‌ها بسیار مثبت است. او در این باره می‌گوید: «مدیریت این کارگاه‌ها، با توجه به شلوغی جشنواره، خیلی قابل توجه است. قسمت نمایشگاهی خیلی شلوغ است؛ آن قدر که بچه‌ها به دلیل ازدحام

نمی‌توانند قسمت‌هایی را که برای نمایش گذاشته شده، خوب ببینند. در بخش کارگاه‌ها، در هر کارگاهی ده دوازده تا بچه حضور دارد که می‌توانند بنشینند، حس بگیرند و بنویسند. کاملاً کنترل شده است.»

در این کارگاه‌های آموزشی، یک نویسنده خارجی حضور دارد و یک نویسنده ایرانی و هر دو نفر کلاس آموزشی را می‌گردانند. نورا حق‌پرست نویسنده دیگر ایرانی است که در یکی از این کارگاه‌ها حضور دارد. حق‌پرست درباره جشنواره اروپایی، خصوصاً کارگاه‌های آموزشی می‌گوید: «به نظر من، قدم‌های اول ممکن است کاستی‌هایی داشته باشد. با وجود این کاستی‌ها، جشنواره ادبیات اروپایی توانست بسیار مفید برگزار شود. آشنا شدن نویسندگان ایرانی با نویسندگان خارجی، ابتدای کار بود. بعد از آن، ایرانی‌ها با نوع آثار آنان و روش برخوردشان با دنیای کودکان آشنا شدند. روش‌های برقراری ارتباط آن‌ها با کودکان، روش‌هایی بسیار جذاب و کودکانه و تازه بود.»

البته همه بچه‌ها نمی‌توانند از کارگاه‌های ادبی و تصویرگری استفاده کنند. کارگاه‌های آموزشی برای بچه‌های بازدیدکننده نیست و تنها برای بچه‌های عضو کانون است.

محمدرضا آتیه خواه، عضو ستاد جشنواره کتاب و مطبوعات کانون، در غرفه محصولات کانون حضور دارد و در این باره چنین می‌گوید: «اگر می‌خواستند یک فراخوان کلی بدهند که کل بچه‌های سطح شهر تهران بیایند، ازدحام می‌شد و مربیان نمی‌توانستند کارایی لازم را در کارگاه‌ها داشته باشند. مربیان اروپایی هم درخواست کرده‌اند که هر روز با ده دوازده تا بچه بیشتر کار نکنند. در صورتی که اگر قرار بود همه بچه‌ها باشند، دیگر امکان پاسخگویی به همه آن‌ها نبود. در حال حاضر و با

همین تعداد بچه‌ای که ما خودمان از کتابخانه‌های کانون گلچین کرده‌ایم، باز هم نمی‌توانیم جوابگو باشیم.»

این کارگاه‌ها در تمام روزهای برگزاری جشنواره، از ساعت ۹ صبح تا ۶ بعدازظهر دایر است. نویسندگان و تصویرگران ایرانی و اروپایی، نزدیک به ۲۵۰ کارگاه نویسندگی و تصویرگری، برای ۲۵۰۰ کودک ۸ تا ۱۲ ساله که از اعضای برگزیده کانون هستند، برگزار می‌کنند. علاوه بر این، سه کارگاه هم برای کودکان استثنایی و معلول در نظر گرفته شده است. از قرار معلوم، مجموعه این تصاویر و قصه‌ها، به صورت کتابی در ایران و اتریش منتشر خواهد شد.

#### غرفه‌ها و چادرها و نمایشگاه‌ها

سالن حجاب، پر از غرفه و چادر و نمایشگاه و کارت پستال و بادبادک و کارگاه و تصویر و نمایش است. یکی از غرفه‌های این نمایشگاه، غرفه مؤسسه پژوهشی کودکان دنیاست. این غرفه تنها غرفه‌ای است که از ابتدای جشنواره تا انتهای آن، مجاز به فروش آثار خود در زمینه کودکان است.

نسرین نافی، کارشناس کتاب کودک و مسئول این غرفه است. به نظر می‌رسد که خانم نافی، زیاد از فضای نمایشگاه راضی نیست. او می‌گوید:



غرفه در این باره می‌گوید: «این کتاب‌ها تنها به عنوان نمونه این جا هستند و بازگردانده می‌شوند به کشوری که آن‌ها را ارسال کرده. در حقیقت، به صورت امانت این جا به نمایش گذاشته شده‌اند.»

یکی از مسئولان غرفه کتاب‌های خارجی که نمی‌خواهد نامش را بیاورم، درباره فروش این کتاب‌ها می‌گوید: «این کتاب‌ها از طریق سایت‌های اینترنتی به فروش می‌رسند.» او درباره تبلیغات این جشنواره اضافه می‌کند: «قرار بود کار تبلیغات به عهده کانون باشد و هیچ کدام از غرفه‌دارها کاری نکنند، ولی کانون نتوانسته در این زمینه خوب عمل کند. خبرنگار خبرگزاری ایرنا هم که این جا ستاد دارد، نتوانسته خبرها را خوب پوشش بدهد. در روزنامه‌های همشهری و جام‌جم نوشتند که در یکی از کانون‌های تهران، جشنواره ادبیات ایران و اروپا برگزار می‌شود؛ بدون آن که نشانی محل را ذکر کنند. در تلویزیون هم گوینده داشت درباره غرفه تعویض کتاب صحبت می‌کرد، اما فیلمی که پخش می‌شد، به نمایشگاه کتاب پارسال کانون در طبقه پایین همین جا مربوط بود!»

در غرفه «محصولات کانون» در تابلوهایی در مورد زندگی حضرت علی (ع) و طرح‌های اصلی کتاب‌های «طوطی و بازرگان» و «رستم و سهراب» به نمایش گذاشته شده است. آتیه‌خواه درباره این غرفه می‌گوید: «این غرفه مربوط می‌شود به بخش کوچکی از انتشارات کانون، از جمله کتاب‌های جشنواره‌هایی که برگزار کرده و نشریاتی که داشته و کتاب‌های قدیمی‌ای که چاپ کرده است؛ از اولین کتاب که نامش «مهمان ناخوانده» است تا آخرین کتاب که «رستم و سهراب» نام دارد.»

آتیه‌خواه درباره نمایشگاه جشنواره می‌گوید: «به بچه‌هایی که به جشنواره می‌آیند، توضیحی نداده‌اند که کار جشنواره و خصوصاً نمایشگاه چیست. به نظر من، سالن نمایشگاه مربوط به بچه‌ها نیست و به ناشران کودک مربوط می‌شود. بچه‌ها در این سالن، فقط وقت‌شان تلف می‌شود و استفاده‌ای برای آن‌ها ندارد؛ مگر این که از نمایشی که در سالن آمفی تئاتر برگزار می‌شود، استفاده کنند.»

البته او بخش فرهنگسرای کودک را برای بچه‌ها خیلی مفید می‌داند و معتقد است: «بچه‌ها در این غرفه خیلی سرگرم می‌شوند، ولی غرفه‌های دیگر برای بچه‌ها جذابیت ندارد.»

غرفه فرهنگسرای کودک، برنامه‌های ویژه‌ای دارد. در این غرفه، از کودکان خواسته می‌شود تا برای مفاهیمی مانند زیبایی، پدر، مادر، شادی، خوبی، تشویق و تنبیه بر اساس ذهنیت خود نقاشی کنند و بچه‌ها پشت میزهای بنفش می‌نشینند و نقاشی می‌کنند. یکی دیگر از برنامه‌های غرفه فرهنگسرای کودک، اجرای نمایش عروسکی از سوی کودکان است. کودکانی که از این غرفه بازدید می‌کنند، می‌توانند با راهنمایی مربیان این فرهنگسرا، در اجرای این نمایش‌ها شرکت کنند.

یکی از قسمت‌های هیجان‌انگیز نمایشگاه، قسمت بازار معاوضه کتاب

«نمایشگاهی که این همه روز طول کشیده و این همه برای آن هزینه شده، می‌توانست بار فرهنگی بیشتری داشته باشد. این جشنواره یک حالت اختصاصی پیدا کرده و کارگاه‌ها فقط مخصوص بچه‌های کانون است.

فقط نمایشگاه برای عموم آزاد است که من انتظار داشتم بچه‌های بیشتری شرکت کنند. غرفه‌دارها هم که فقط کتاب‌ها را چیده‌اند و نشستند. هیچ تلاشی برای جذب بچه‌ها نمی‌کنند.»

با وجود این، نفعی معتقد است مکان برگزاری جشنواره مکان مناسبی است و امکانات خوبی در اختیار آن‌ها قرار گرفته است. او می‌افزاید: «برخوردها بسیار عالی است و من از مسئولان جشنواره تشکر می‌کنم. خصوصاً که تزیین این جا خیلی قشنگ است و نمایی جالبی به نمایشگاه داده است.»

هرچه از زمان نمایشگاه می‌گذرد، حضور کودکان در مرکز آفرینش‌های فرهنگی و هنری کانون گسترده‌تر می‌شود و کودکان به همراه خانواده‌های‌شان در این جشنواره شرکت می‌کنند. با وجود این، غرفه‌داران معتقدند که اطلاع‌رسانی جشنواره ضعیف بوده است.

الف. امیری، مسئول غرفه انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، در این باره می‌گوید: «روز اول اعلام کردند که اطلاع‌رسانی نشده، ولی قرار است که در چند روز آینده اطلاع‌رسانی گسترده‌ای صورت بگیرد که متأسفانه، این اطلاع‌رسانی صورت نگرفت و دلیل آن را باید از مسئولان پرسید.»

تصاویر و آهنگ‌هایی شاد از تلویزیون غرفه انتشارات سوره، در حال پخش است، در این غرفه، مجموعه‌ای به صورت ویدیویی و لوح فشرده، با تخفیف در اختیار کودکان قرار می‌گیرد. این مجموعه، شامل

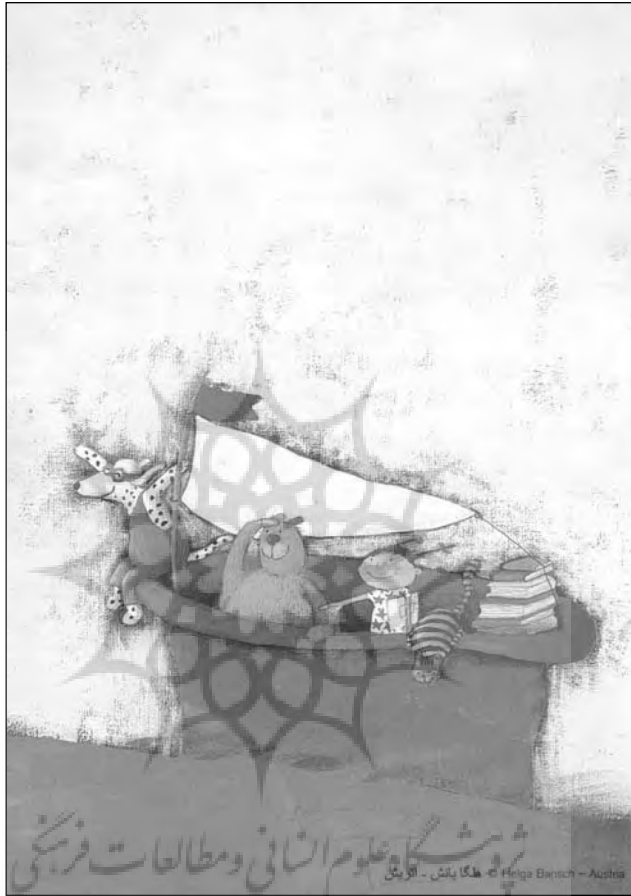
بازی‌های آموزشی است و «آسیاب بچرخ، بچرخ» نام دارد.

امیری، ارتباط خوبی با بچه‌ها دارد. غرفه کناری آن‌ها هم کارت پستال می‌فروشد. امیری می‌گوید: «غرفه کناردستی من کار فروش کارت پستال را به خوبی انجام می‌دهد. از نظر فروش، من غرفه خودمان و غرفه کارت پستال را فعال دیدم.»

در غرفه «کتاب‌های خارجی»، غیر از متصدی غرفه، کس دیگری حضور ندارد. در کنار غرفه، بچه‌ها دارند نقاشی می‌کشند و صدای موسیقی، فضای غرفه را پر کرده است. متصدی غرفه درباره کتاب‌های ارائه شده در این غرفه می‌گوید: «تصاویر این کتاب‌ها بسیار گویاست: آن قدر که بدون متن هم می‌توان داستان‌ها را از روی تصاویر حدس زد. امیدوارم این کتاب‌ها برای ترجمه برود و در اختیار بچه‌های ایران قرار بگیرد.»

او درباره فضای جشنواره می‌گوید: «مردم سردرگمند و انگار چیزی از کارهای ما سر در نمی‌آورند. ما بروشوری تهیه کردیم و سعی کردیم که عموم را متوجه کنیم، ولی باز هم مجبوریم برای تک تک مراجعان توضیح بدهیم که این‌ها چیست و برای چه به نمایش گذاشته شده است.»

کتاب‌های این غرفه به فروش نمی‌رسد و تنها برای تماشاست. متصدی



است. بچه‌ها کتاب‌های خود را با کتاب‌های جدید تعویض و شروع می‌کنند به خواندن کتاب‌های تازه. کتاب‌ها نباید پاره و قلم‌خورده باشد. کتاب‌هایی که قرار است تعویض شوند، حتماً باید به زبان فارسی باشند. در بازار معاوضه، قیمت پشت جلد، نوع کاغذ و قطع کتاب اهمیتی ندارد و نسخه‌های تعویضی با کتاب‌هایی که ارزش نقدی بالاتر یا پایین‌تری دارند، تعویض می‌شوند. تعویض کتاب‌های گروه‌های سنی مختلف با یکدیگر هم بلامانع است.

یکی از مشکلات بچه‌ها در این قسمت، این است که کتاب‌های شان را برای تعویض نیاورده‌اند و حتماً باید یک بار دیگر به نمایشگاه سرزنند. خیلی از بچه‌هایی هم که به بازار معاوضه کتاب آمده‌اند و دارند کتاب تعویض می‌کنند، دفعه دوم است که به نمایشگاه می‌آیند. این طرح، از نمونه‌های مشابه آن در جشنواره‌های کودکان اروپا الهام گرفته شده است و از قرار معلوم، به مناسبت‌های مختلف، با هم از سوی نهادهای گوناگون اجرا خواهد شد.

در چادر کتاب‌های آسترید لیندگرن، کتاب‌های این نویسنده، به دو زبان فارسی و سوئدی، به صورت رایگان به بچه‌ها هدیه داده می‌شود. این چادر مملو از اسباب‌بازی‌های چوبی است که مسئولان غرفه سوئد، در اختیار کودکان

می‌گذارند تا بازی کنند و با تصاویر داستان‌های آسترید لیندگرن آشنا شوند. روی دیوارهای آبی‌رنگ این چادر، آثار تصویرگری و عکس‌ها و متن‌هایی از این نویسنده سوئدی جای گرفته است. این چادر نورپردازی زیبایی دارد و موسیقی و ترانه‌های کودکانه، پیوسته در این چادر به گوش می‌رسد.

چادر کتاب‌های آسترید لیندگرن، از طرف مؤسسه‌ای زیر نظر وزارت امور خارجه سوئد، تاکنون در بسیاری از کشورهای اروپایی و سایر قاره‌ها برپا شده است تا کودکان سراسر جهان را با آثار این نویسنده آشنا کند.

عجیب این است که آن‌ها از سوئد آمده‌اند تا در ایران چادر بزنند. اما خود ما چادری نداریم که

نشان‌دهنده کتابخانه‌های عظیم ایران و ناشران ایرانی باشد! دست کم انتظار می‌رود ناشرانی که روابط بین‌المللی دارند، در این جشنواره حضور داشته باشند. نشر شبابویز، یکی از این ناشران است و دکتر فریده خلعتیری، مسئول آن، درباره حضور در این جشنواره می‌گوید: «اصلاً از ما دعوت نشد؛ نه نامه آمد و نه کتاب از ما خواستند. کانون هیچ وقت به سراغ شبابویز نمی‌آید. این اولین جشنواره‌ای نیست که بدون شبابویز باشد. تقریباً در تمام موارد مشابه، شبابویز غایب است.»

و البته این بار، گروه عظیمی از ناشران کودک و نوجوان غایب هستند. در روزهای چهارم و پنجم مهرماه، در حاشیه جشنواره اروپایی ادبیات کودک و نوجوان تهران، همایش دو روزه «معنای ادبیات کودکان در گفت‌وگوی فرهنگ‌ها» (دیروز، امروز و فردا) برگزار می‌شود.

در این همایش، تعدادی از نویسندگان و محققان اروپایی و ایرانی، به ارائه مقاله می‌پردازند و از ناشران و نویسندگان و متولیان امور کودکان در سراسر دنیا، می‌خواهند جنگ و خشونت را از دنیای کودکان پاک کنند.

یکی از شرکت‌کنندگان این همایش، گونیا برگستروم از سوئد است. او در قسمتی از سخنان خود می‌گوید: «در دنیای غرب بچه‌هایی وجود دارند که همه چیز دارند؛ غذا، لباس، کتاب‌های آموزشی رایگان، حتی موبایل و تلویزیون و

خلاصه همه چیز، اما خیلی کم می‌توانند در کنار بزرگ‌ترهای شان از چیزی لذت ببرند و احساس نزدیکی کنند. کسی به آن‌ها عجایب زندگی واقعی و کارهای ریز و جزئی را که هر روزه اتفاق می‌افتد، نشان نمی‌دهد. آن‌ها خیلی کم با آدم‌های بزرگسالی رو به رو می‌شوند که حوصله بازی با آن‌ها را داشته باشند.»

دکتر فرشته محرابی، استاد دانشگاه اصفهان نیز در تحقیقی که در این همایش ارائه می‌شود. عنوان می‌کند که: «جنگ و فاصله طبقاتی، بیشترین مضامین داستان‌های کودک در نیم قرن اخیر، در ایران و آلمان بوده‌اند.»

براساس این تحقیق، در داستان‌های آلمانی زبان، به ترتیب روان‌شناسی کودکان و دنیای خصوصی کودکان، جنگ، مهاجرت و تأثیر آن بر کودکان، تقابل، معصومیت و شرارت، رفتار ناهنجار بزرگسالان در خانه و مدرسه، والدین شاغل و گرفتار و رفتار ناهنجار کودکان و نوجوانان مسئولیت‌ها و رشد شخصیتی زود هنگام، رایج‌ترین مضامین را تشکیل می‌دهند.

همچنین در داستان‌های ایرانی، به ترتیب روان‌شناسی کودکان و دنیای خصوصی آنان، تفاوت طبقاتی و بی‌عدالتی اجتماعی و انسانی، تقابل،



معصومیت و شرارت، رفتار ناهنجار بزرگسالان در خانه و مدرسه، مسئولیت‌ها و رشد شخصیتی زود هنگام، فرزندان طلاق و فروپاشی خانواده و سنت شکنی و رفتار ناهنجار کودکان و نوجوانان بیشترین مضامین را دربرگرفته‌اند.

در ادامه این همایش دو روزه، دیگر چهره‌های ادبیات کودک و نوجوان ایران و اروپا، همچون یان هانسن و ماریت تورنکوویست از سوئد و مصطفی رحماندوست، به بحث و تبادل نظر می‌پردازند. البته قسمت ایرانی همایش، با واکنش‌های منفی برخی صاحب‌نظران رو به رو شده است.

علی اصغر سیدآبادی، نویسنده، روزنامه‌نگار و پژوهشگر ادبیات کودک درباره این سمینار می‌گوید: «به نظر من این سمینار خیلی خجالت‌آور بود و مقاله‌هایی که ارائه شد، بسیار ضعیف بود. یک سمینار علمی باید هیأت علمی داشته باشد تا مقاله‌ها توسط آن بررسی شود. در سمینار سخنران دعوت نمی‌کنند، بلکه باید مقاله بدهند و مقاله‌ها بررسی و تأیید علمی شود. مقاله‌های ایرانی که در این سمینار ارائه شد، متأسفانه جز یک مورد، مقاله‌های بسیار ضعیفی بود و اگر ترجمه شود، به نظر من آبروریزی است؛ خصوصاً بخش‌هایی که اصلاً مقاله نبود و فقط خاطره‌گویی و سخنرانی بود.»

محمدهادی محمدی، مسئول بنیاد پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان ایران

نیز ارزیابی مثبتی از این سمینار ندارد: «نشست‌هایی که قرار بود به عنوان سمینار برگزار شود، در حد نشست‌های کوچک برگزار شد که طرف‌های ایرانی هم یکی دو مقاله ارائه کردند که واقعاً تأسف آور بود.

باری به هر جهت نشست‌ی بوده است و اسمش را سمینار گذاشته‌اند. دور میز نشست‌اند و حرف زده‌اند. طرف‌های اروپایی که من با آن‌ها صحبت کردم، اصلاً انتظار چنین چیزی را نداشتند. البته آن‌ها سنجش خودشان را دارند و من نمی‌خواهم از زبان آن‌ها حرف بزنم، اما وقتی به این و آن التماس بکنند که مقاله بدهد، آن هم از طریق تلفن، نتیجه‌اش همین می‌شود.»

پیروز قاسمی، عضو انجمن نویسندگان کودک و نوجوان نیز در گفت‌وگو با سینا، در این باره می‌گوید: «چیزی که بیش از همه باعث تأسف است، نوع برگزاری همایش علمی (جشنواره) است؛ نه فراخوانی داده شده و نه هیأت علمی برای بررسی مقاله‌ها تشکیل شده است. در حالی که در این همایش، چند صاحب‌نظر خارجی هم حضور دارند. این سمینار به نظر من علمی نیست.»

همان‌طور که اشاره شد، بخش ویژه‌ای از جشنواره اروپایی ادبیات کودک، به عرضه کتاب‌های ویژه کودکان معلول اختصاص دارد. این نمایشگاه از سوی

شده است، نمایش می‌دهد. مومین که ساخته تائو یانسون نویسنده فنلاندی است، تاکنون در تلویزیون، سینما، اپرا و تأثر به نمایش درآمده و کتاب‌هایش به ۳۲ زبان دنیا ترجمه شده است.

نمایشگاه دیگر این جشنواره، به آثار برگزیده مسابقات تصویرگری بولونیا، نوما و جایزه هانس کریستین آندرسن تعلق دارد. در این نمایشگاه نقاشی‌های فرشید مثقالی، برنده جایزه تصویرگری «هانس کریستین آندرسن و ده تصویرگر دیگر از سراسر دنیا، به نمایش گذاشته شده است.

در میان ۱۶ تصویرگر و ۱۲ نویسنده اروپایی که کارگاه‌های تصویرگری و نویسندگی برپا می‌کنند، گونیلا برگستروم، ویژه‌ترین مهمان جشنواره است. این تصویرگر سوئدی، خالق یکی از شخصیت‌های محبوب کارتونی، به نام «الفی اتکینز» است. کتاب‌های برگستروم که الفی شخصیت اصلی همه آن‌هاست، به زبان‌های مختلف ترجمه و از روی آن‌ها کارتونی تهیه شده که تلویزیون ایران هم آن را بخش کرده است. الفی ویژگی‌های بچه‌های اطراف ما را دارد و به همین علت، یک شخصیت فرامگانی است.

گونیلا در سن ۲۸ سالگی، شخصیت الفی را پس از بازگشت از دفتر روزنامه، روی کاغذ می‌آورد؛ زمانی که باردار بود. گونیلا با الفی در بغل خود،

وقتی در راهروی شلوغ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان راه می‌رود، با لبخند الفی به بچه‌ها سلام می‌کند. گونیلا در مصاحبه با روزنامه شرق می‌گوید: «من به خاطر داستانی که خودم می‌گفتم، باید تصویری هم می‌کشیدم؛ تصویر پسر و پدر. بنابراین، خودم شروع کردم به کشیدن تصاویر. شش هفت تا آلفونس مختلف کشیدم تا بالاخره الفی درست و صحیح را پیدا کردم.» حضور الفی و گونیلا در این جشنواره، برای همه هیجان‌انگیز است. اما اگر خوب نگاه کنی، غمی هم به دلت می‌نشیند. اگر سوئدی‌ها لینگرن و برگستروم دارند، ما هم مرادی کرمانی و زرین کلک و مثقالی داریم. در حالی که در فضای



جشنواره، از آثار این هنرمندان بزرگ ایرانی خبری نیست. نویسنده‌های ایرانی کجا هستند؟ آن‌ها فقط برای بازدید می‌آیند؟ چرا از ایران فقط کودکان و نوجوانان و بخشی از کانون حضور دارد؟ حالا کاش فضای نمایشگاه غلغله می‌شد تا دل‌مان خوش شود، اما اغلب ساعات روز پرنده پرنمی‌زند. خیلی از بچه‌ها هم زیر هفت سال دارند. کاش جذاییتی ایجاد می‌شد تا نوجوانان بیشتر از این جشنواره استقبال می‌کردند. نوجوانانی که معمولاً حوصله‌شان سررفته و سرگرمی‌شان فقط اینترنت است.

قرار است بعد از جشنواره، چهار کتاب از نویسندگان ایرانی نیز ترجمه و تصویرگری شود. معصومه انصاریان معاون انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و رئیس هیأت مدیره انجمن نویسندگان کودک و نوجوان در این باره می‌گوید: «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۷۶ دعوتنامه به مراکز گوناگون فرستاد که ۵۶ دعوتنامه هم به دست انجمن نویسندگان کودک و نوجوان رسید و ما هم برای اعضای انجمن پست کردیم. سرانجام ۹۰ داستان رسید که گروه داوری بررسی کردند و از بین آن‌ها چهار داستان انتخاب شد که قرار است به انگلیسی ترجمه و به مؤسسه x-change برای تصویرگری داده شود. این داستان‌ها نوشته آقایان یوسفی و اکبرپور و خانم‌ها

دفتر بین‌المللی کتاب برای کودکان (IBBY) در تهران، برگزار می‌شود و ۴۳ عنوان کتاب ویژه کودکان معلول که در طول سه دهه گذشته منتشر شده، در آن به نمایش گذاشته شده است.

مسئول غرفه نمایشگاه کتاب کودکان معلول، درباره این غرفه می‌گوید: «این نمایشگاه بیشتر جنبه تخصصی دارد. افرادی که در بهزیستی کار می‌کنند، این کتاب‌ها را می‌بینند و از روی آن‌ها عکس و فیلم می‌گیرند تا به بچه‌های معلول ایرانی نشان بدهند. این کتاب‌ها همه متعلق به سازمانی در نروژ است که کارش درباره بچه‌های معلول است. در مورد معلولان هر کتابی نوشته می‌شود باید یک نسخه آن در این سازمان باشد.»

نمایش فیلم و اجرای تأثر در حاشیه جشنواره، از دیگر برنامه‌های جشنواره ادبیات اروپایی است. در این جشنواره بیشتر از ۵۰ فیلم داخلی و خارجی ویژه کودکان و نوجوانان به نمایش گذاشته شده و سه نمایش ایرانی در کنار چهار نمایش از گروه‌های اروپایی، روی صحنه رفته است.

غرفه مومین یکی دیگر از بخش‌های نمایشگاه این جشنواره است. عروسک‌های مومین از سقف غرفه آویزانند تا کودکان را سرگرم کنند و تلویزیون این غرفه، کارتون‌هایی را که براساس این شخصیت داستانی ساخته

### غیبت نهادهای غیر دولتی

به هر حال، جشنواره اروپایی ادبیات کودک در حالی برگزار می‌شود که تعداد زیادی از نهادهای غیردولتی، به نحوه برگزاری آن انتقاد دارند و بیشتر آن‌ها به دعوت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، برای حضور در غرفه‌هایی که به آنان اختصاص داده شده، پاسخ مثبت نداده‌اند.

انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، به عنوان مهم‌ترین تشکل غیردولتی نویسندگان کودک و نوجوان، از نهادهایی است که انتظار می‌رفت در این جشنواره‌ها حضور فعال داشته باشد، اما این انجمن حتی حضوری کم‌رنگ



باشد. روز چهارشنبه از طرف دبیرخانه انجمن، کارمندی‌های انجمن به محل نمایشگاه رفتند و غرفه را تحویل گرفتند و پرچم و نشانه‌های انجمن را با خودشان بردند. اما از طرف‌های ظهر به بعد، کانونی‌ها به کارمندان انجمن فشار آوردند که شما باید غرفه‌تان را تزئین کنید و حتی خودشان آمده و بدون اجازه پوستر زده بودند. در حالی که در هیچ نمایشگاهی متولیان جشنواره، در غرفه‌آرایی دخالت نمی‌کنند. یک غرفه اگر فعال نباشد، بعد از دو یا سه روز شاید بپرسند چرا غرفه شما فعال نیست، اما این که تصمیم بگیرند کسی غرفه‌اش را به چه صورت آرایش کند، پوستر بزند یا نزند، ربطی به آن‌ها ندارد و این توهین به مجموعه ما بود. انجمن در بیانیه‌اش انتقاد کرد، ولی انتقادش به معنای تحریم نبود، اما وقتی شأن حقوقی انجمن خدشه دار شد، نتوانستیم غرفه‌ای هم داشته باشیم.»

هجری در ادامه، از دوستان کانونی انتقاد می‌کند که نه تنها در اجرای کار، انجمن نویسندگان را به مشارکت نطیبیده‌اند، بلکه از به رسمیت شناختن انجمن نویسندگان کودک و نوجوان نیز طفره رفته است. او می‌گوید: «حتی در مراسم اختتامیه، نامه برای اشخاص معدودی فرستادند و نه به عنوان انجمن نویسندگان کودک و نوجوان. با وجود این، انجمن حسن نیت خود را نشان داد و هیأت مدیره انجمن، در جشن اختتامیه شرکت کرد.» بنیاد پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان ایران نیز یکی از نهادهایی است که به گرفتن غرفه در این جشنواره، تن نداده است. محمد هادی محمدی، مسئول این بنیاد، تأکید می‌کند که نفس جشنواره ادبیات اروپایی مورد تأیید اوست و شایعه تحریم جشنواره را تکذیب می‌کند. وی در پاسخ این سؤال که: «شنیده می‌شود که شما جشنواره ادبیات اروپایی را تحریم کرده‌اید؟» می‌گوید: «نه، ما تحریم نکردیم. ما خودمان از طراحان و برنامه‌ریزان جشنواره بودیم، اما مشارکت فعال نداشتیم؛ مثل سایر تشکل‌های غیر دولتی. در روز افتتاحیه، خانم قایینی، از دفتر ما در مراسم حضور داشت تا با طرف‌های اروپایی آشنا شود.»

محمدی سپس به موضوع غرفه می‌پردازد و ادامه می‌دهد: «غرفه اصلاً جزء برنامه‌ها نبود. برنامه جشنواره هشت محور داشت که اصلاً غرفه‌داری را شامل نمی‌شد. از بندهای این برنامه، نمایشگاه‌های تاریخی و موضوعی ادبیات کودکان بود. عنوان نمایشگاه تشکل هم کاملاً مشخص شده بود: «سیر تاریخی ترجمه ادبیات کودکان اروپا در ایران». کانونی‌ها برای جبران این قضیه، به ما نامه نوشتند که یک غرفه ۱۲ متری به شما تعلق می‌گیرد، اما نه بنیاد پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان ایران که خیلی از نهادهای دیگر هم غرفه نگرفتند؛ خانه ترجمه، شورا و انجمن نویسندگان کودک و نوجوان.»

حسین ابراهیمی، مسئول خانه ترجمه برای کودکان و نوجوانان نیز دلایل این نهاد را برای انصراف از گرفتن غرفه، این گونه بیان می‌کند: «در مورد غرفه به ما ابلاغ شد و ما رسماً یک نامه به روابط عمومی کانون فکس کردیم و نوشتیم، شما گفته‌اید به مدت ۱۷ روز دو نفر کارمند در غرفه حضور داشته باشند. هزینه ایاب و ذهاب، غرفه داری و هزینه‌های دیگر این دو نفر به عهده کیست؟ چون ما یک مؤسسه فرهنگی هستیم که از نظر مالی، بنیة آن چنانی نداریم که بتوانیم خرج غرفه را بدهیم. آن‌ها هم به ما نوشتند که تمام این هزینه‌ها به عهده خودتان است. طبیعتاً ما هم گفتیم که نمی‌توانیم شرکت بکنیم؛ چرا که توان مالی‌اش را نداریم و درباره برنامه‌های این جشنواره هم از ما کسی نظر نخواست است.»

گویا کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، از همان آغاز تصمیم گرفته است تمام کارهای مربوط به جشنواره را یک تنه انجام دهد و هیچ بخشی از جشنواره را به هیچ نهادی واگذار نکند.

محسن هجری، سخنگوی انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، در این باره می‌گوید:

«انجمن نویسندگان کودک و نوجوان این آمادگی را داشت تا در جشنواره

هم در جشنواره ادبیات اروپایی ندارد. محسن هجری، دبیر و سخنگوی انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، با گلایه از کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، به دلیل دیدگاه‌های انحصاری و به مشارکت نطیبیدن نهادهای غیردولتی، در پاسخ به سؤال «چرا در جشنواره ادبیات اروپایی انجمن نویسندگان کودک و نوجوان غرفه ندارید؟»، می‌گوید: «آن غرفه را برای نمایش می‌خواستند به ما بدهند. بخش سیاستگذاری با غرفه‌داری خیلی فرق می‌کند.»

شأن انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، این نیست که حضوری حاشیه‌ای و نمایشی داشته باشد. این یکجور نمایش قدرت بود. مسئولان کانون می‌خواستند بگویند که ما جشنواره را ترتیب دادیم و انجمن هم آمد. هیأت مدیره انجمن قبل از افتتاحیه جشنواره، یک جلسه اضطراری تشکیل داد و در آن جلسه تصمیم گرفتیم در انتقاد به کانون، بیانیه بدهیم، اما نفس جشنواره را تأیید کنیم. ما در بیانیه انتقاد کردیم که چرا نهادهای مدنی، در فرایند تصمیم‌گیری حضور و اساساً مشارکت ندارند؟ در همان جلسه تصمیم گرفته شد که علاوه بر صدور بیانیه، انجمن غرفه را بگیرد و در نمایشگاه حضور داشته

این جشنواره را برگزار کند؟ چرا وقتی موضوع به کشور ما می‌رسد، کانون فکر می‌کند که نهادهای غیردولتی باید از جیب‌شان سرمایه بگذارند و چون مکان و سرمایه ندارند، باید حذف شوند؟ مگر سرمایه و مکان کانون مال کیست؟ این سرمایه و مکان، مال همین دولت است و باید در اختیار نهادهای غیردولتی هم باشد و آن‌ها بیایند برنامه‌ها را اجرا کنند. من فکر می‌کنم مشکل کانون این است که معنای نهاد غیردولتی را هنوز درک نکرده است. کانونی‌ها نگاه‌شان به دولت، یک نگاه سنتی - قاجاری است. فکر می‌کنند دولت باید متمرکز و صاحب مملکت باشد و بقیه رعیتش باشند. بنابراین، پول و مال و منالی را هم که در دست دارد، مال خودش می‌داند. در حالی که در جامعه امروز، باید بر تک‌تک هزینه‌ها نظارت نهادهای غیردولتی وجود داشته باشد و در



تصمیم‌گیری‌ها و اجرا باید نهادهای غیردولتی حضور داشته باشند، نه این که تنها مجری اوامر آقایان باشند! آن‌ها باید تصمیم بگیرند و اجرا کنند و کانون باید حمایت کند و فضا را در اختیار آن‌ها بگذارد. تلقی کانون از دولت و نهادهای غیردولتی باید اصلاح شود. آن‌ها دولت مدرن را نمی‌شناسند و درکی از نهادهای غیر دولتی ندارند و فکر می‌کنند نهاد غیردولتی، نوعی انجمن فعالیت‌های داوطلبانه یا انجمن خیریه است!

فصل دیگری از کشمکش‌های جشنواره ادبیات اروپایی را سیر تاریخی آن، تا رسیدن به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان، رقم می‌زند. مهندس چینی‌فروشان، مدیرعامل کانون، در کنفرانس خبری جشنواره اعلام می‌کند: «مسئولیت برگزاری این جشنواره، در اواخر تیرماه به کانون واگذار شد و ما از همان زمان، علی‌رغم محدودیت‌هایی که همه می‌دانند، وارد عمل شدیم.» بلافاصله، محمد هادی محمدی، در گفت و گویی مفصل با خبرنگاری ایسنا، این خبر را رد می‌کند و می‌گوید: «نماینده x-change در اردیبهشت ماه به دفتر چینی‌فروشان، برای پیشنهاد برپایی این جشنواره مراجعه کرده بود، اما به سبب بی‌علاقگی وی نسبت به برپایی این جشنواره، با درهای بسته این

ادبیات کودکان اروپایی شرکت کند و حتی اعضای هیأت مدیره، در جلسات خود درباره زمینه فعالیت انجمن در این جشنواره، بحث می‌کردند. روند برگزاری این نمایشگاه، فراز و نشیب‌هایی داشت. اول قرار بود شورای کتاب کودک مسئولیتش را به عهده بگیرد. بعد وزارت امور خارجه دخالت کرد تا این که سرانجام، کانون این کار را پذیرفت. شنیده‌ها حاکی از این بود که کانون وقتی این کار را پذیرفت، با برگزارکننده شرط کرد که کسی دخالت نکند و متولی‌اش خودش باشد. هر چه زمان گذشت، شنیده‌ها بیشتر به واقعیت تبدیل شد. ما منتظر بودیم که مثلاً برای ارسال مقالات فراخوانی داده شود یا در سیاستگذاری‌ها از انجمن نظر بخواهند، ولی دریغ از یک نامه، حتی یک نامه به انجمن نیامد که در آن نوشته شده باشد که کاری دارد انجام می‌شود و شما هم اگر پیشنهادهایی یا نکته‌هایی به نظرتان می‌رسد، به ما منعکس کنید.»

حسین ابراهیمی، مسئول خانه ترجمه برای کودکان و نوجوانان نیز در ملی بودن این طرح تردید می‌کند و می‌گوید:

«این طرح نمی‌تواند یک طرح ملی به حساب بیاید. وقتی از کشورهای مختلف دارند به ایران می‌آیند، از ایران هم باید مؤسسات مختلف حضور داشته باشند. مجله کتاب ماه کودک، هفته نامه کتاب هفته، شورای کتاب کودک، بنیاد پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان ایران، انجمن قلم، انجمن نویسندگان کودک و نوجوان و... چرا با هیچ کدام از این‌ها جلساتی گذاشته نشد؟ ما این قضیه را با کانون مطرح کردیم. همان موقع که دوستان کانونی تماس گرفتند، من به آن‌ها گفتم که اگر نظر مرا می‌خواهید، صلاح این است که کانون جلسه‌ای تشکیل بدهد و تمام این مؤسسات را دعوت کند. همه ما دور یک میز بنشینیم، صحبت کنیم، شما کمبودهای‌تان را بگویید، مشکلات‌تان را مطرح کنید، دوستان هم نظرشان را بگویند تا همه ببینیم برای استفاده بهتر از فرصت این جشنواره، چه کار کنیم و هر کسی یک گوشه کار را بگیرد، ولی این اتفاق نیفتاد. یک روز دیدم دعوتنامه آمده که شما بیایید غرفه بگیرید!»

ابراهیمی ادامه می‌دهد: «خانه ترجمه برای کودکان و نوجوانان، از حدود هفت هشت ماه پیش، در جریان این جشنواره بود و برای بهتر اجرا شدن آن و معرفی ادبیات کودک ایران به اروپا، برنامه‌ریزی هم کرده بود، اما مسئولان کانون هیچ نوع مشورت و کمکی برای برنامه‌ریزی از ما نخواستند. در واقع نهاد غیردولتی ما را برای برنامه‌ریزی و همفکری دعوت نکردند.»

حتی پیش از برگزاری جشنواره ادبیات کودک و اروپا، صدای نهادهای مختلف مدنی، از گوشه و کنار در اعتراض به سیاست حذفی کانون به گوش می‌رسد. دو روز مانده به شروع نمایشگاه، روابط عمومی کانون، از قول «اشتفان شوارتز»، مسئول پروژه مؤسسه x-change در ایران، اعلام می‌کند: «پیشنهاد برگزاری جشنواره اروپایی ادبیات کودک در ایران را به مؤسسات بسیار دادیم، اما از میان همه آن‌ها کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را با توجه به امکانات، نیروی انسانی، پی‌گیری، علاقه‌مندی بیشتر و مکانی که برای کودکان شناخته شده است، برگزیدیم.»

علی اصغر سیدآبادی، نویسنده و روزنامه‌نگار، در این باره می‌گوید: «نفس این کار، خیلی خوب بود. این که پنجاه تا شصت نویسنده، از کشورهای مختلف به ایران بیایند و با بچه‌ها کار کنند، خیلی عالی است. بحث ما هم این نیست که چرا کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، این جشنواره را برگزار کرده یا این که دولت نباید در این امور نقش داشته باشد. بحث ما این است که چرا کانون به تنهایی برگزار کرده است و چرا نهادهای غیردولتی حذف شده‌اند؟ در پاسخ به این انتقاد، دوستان کانونی پاسخی دادند و گفتند شرکت x-change - X، پس از بررسی به این نتیجه رسیده که کانون تنها جایی است که از عهده این کار برمی‌آید. در این موضوع، مغلطه‌ای وجود دارد که باید باز شود. مگر شرکت x-change نماینده تمام دولت‌های اروپایی است؟ مگر شرکت x-change خودش دولت است؟ مگر غیر از این است که خودش یک نهاد غیردولتی است و دولت‌های اروپایی، به این نهاد غیردولتی کمک کرده‌اند تا

مرکز مواجه شد.»

وی تصریح می‌کند: «مؤسسه x-change طرح برپایی این جشنواره را به طور همزمان، به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، شورای کتاب کودک، مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودک، مرکز گفت و گوی تمدن‌ها، دانشگاه ملی و... پیشنهاد کرد، اما سرانجام به اعتبار فعالیت فرهنگی نوش‌آفرین انصاری، دبیر شورای کتاب کودک، این بودجه توسط اتحادیه تصویب شد!»

سخنی که مسئولان شورای کتاب کودک، هیچ‌گاه در مقام رد آن برنیامدند.

سخنان نریمان منصوری، نماینده ایرانی مؤسسه x-change نیز در این زمینه قابل اعتناست. او در گفت و گویی که با یکی از خبرنگارهای انجام داده بود، تصریح کرد: «به دنبال تصویب بودجه اتحادیه اروپا، به منظور برگزاری این جشنواره در آوریل ۲۰۰۴ (فروردین ماه سال جاری)، ما دنبال مرجعی بودیم که در زمینه برگزاری این جشنواره، به ما قول مساعد دهد و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تنها مرجعی بود که در آن زمان به ما قول مساعد داد.»

وی با تشریح این که از ۱۶ ماه پیش، مؤسسه متبوعش، برای برگزاری

این جشنواره وارد عمل شده، از دیدار آقای شوارتز، مسئول x-change، طی این مدت با مسئولانی خبر می‌دهد که محمد هادی محمدی نیز نام‌شان را ذکر کرده است.

نماینده ایرانی مؤسسه‌ی x-change در همین گفت‌وگو، مشکلات اقتصادی و عدم تأمین بودجه این جشنواره را دو عامل اصلی مسکوت ماندن این طرح، تا آوریل سال ۲۰۰۴ می‌خواند و می‌گوید: «علی‌رغم مشکلات این جشنواره، فعالیت‌های فرهنگی آن در حوزه جذب مقالات و سفارش تصاویر و غیره، از طرف کشورهای اروپایی مشهود بود، اما از ایران هنوز هیچ‌کاری به صورت جدی صورت نگرفته بود.»

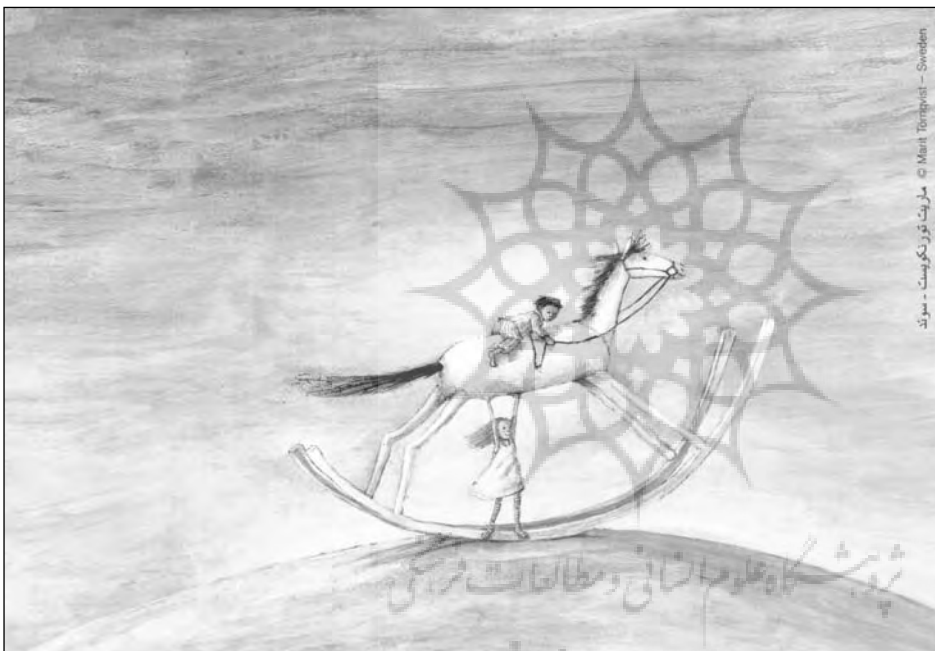
ما نیز برای اطلاع بیشتر از کم و

کیف موضوع، با محمد هادی محمدی تماس می‌گیریم. محمدی درباره سیر این جشنواره توضیح می‌دهد: «اولین بار خانم انصاری در سال ۸۲، در شورای کتاب کودک به من اطلاع دادند که آقای نریمان منصوری، نماینده شرکت x-change طرحی درباره برگزاری جشنواره‌ای در ایران دارند. در آن زمان، هنوز کانون مطرح نبود و برنامه‌ای نداشت. قرار شد این جشنواره در تهران و اصفهان برگزار شود و بخش تاریخ و فانتزی را - که ترجمه ادبیات کودک و فانتزی اروپایی بود - در اصفهان بگذاریم و کارگاه‌ها در تهران برگزار شود. امیدوار بودیم که کانون پرورش فکری هم مشارکت فعال داشته باشد، اما دیدیم که نگاه آقای منصوری اصلاً این نیست که یک جشنواره درست و حسابی برگزار شود. من از او پرسیدم: شما مگر نمی‌خواهید نمایشگاه بگذارید؟ نشست بگذارید؟ چنین کارهایی احتیاج به دبیرخانه دارد. آقای منصوری گفت: «زمینه نمی‌خواهد تماسی گرفته می‌شود و کارها حل می‌شود. خواهرم کارها را تایپ می‌کند و احتیاجی به دبیرخانه نیست.» «وقتی حرف به این جا رسید، من دیدم که قضیه خیلی غیرفنی است. خصوصاً که آقای منصوری تأکید داشت ما همه این‌ها را می‌خواهیم، اما نمی‌خواهیم حتی یک یورو پول به کسی

بدهیم. اگر شما می‌خواهید، خودتان بروید پول پیدا کنید و خرج کنید. آقای منصوری و شرکت x-change از اتحادیه اروپا مبلغ کلانی دریافت کرده بودند و نمی‌خواستند آن را هزینه کنند. در حالی که حق این است که آن‌ها بودجه‌ای را که گرفته‌اند و بودجه‌ای را که هزینه کرده‌اند، خیلی شفاف اعلام کنند. کانون هم می‌تواند در این زمینه کمک کند تا قضایا روشن شود که البته هیچ وقت این کار را نخواهند کرد.»

محمدی با تأسف اضافه می‌کند: «البته این حرف‌ها دیگر مشکلی از ما حل نمی‌کند. ما دیگر فرصت تعامل بین اروپا و ایران را در زمینه ادبیات کودکان از دست داده‌ایم و جشنواره محدود شده به چند کارگاه برای بچه‌ها و هیچ ارتباط سازنده‌ای بین نویسنده‌ها و مترجم‌های ایران و اروپا برقرار نشده. ما به سبب عملکرد کانون، یک فرصت تاریخی و فوق‌العاده برجسته را از دست دادیم. البته بعضی از گروه‌های اروپایی، به دیدن مؤسسه ما آمدند و وقتی دیدند در چنین مؤسسات غیر دولتی و کوچکی، کارهایی بزرگ انجام می‌شود، ابراز تأسف کردند که چرا ما مشارکت نداریم.»

محمد هادی محمدی، در انتها اضافه می‌کند: «کسانی که از سازمان x-change، برنامه‌ریز جشنواره اروپایی هستند، اصلاً معماری ادبیات



کودکان را نمی‌شناسند.»

برای روشن‌تر شدن موضوع، با نریمان منصوری، نماینده شرکت x-change هم تماس می‌گیریم. منصوری اعلام می‌کند که فعلاً در وضعیت مطلوبی قرار ندارد و قرار دیگری گذاشته می‌شود که متأسفانه در آن زمان، موبایل او در دسترس نیست و هنگامی در دسترس قرار می‌گیرد که خواهر او اعلام می‌کند که آقای منصوری به اتریش بازگشته است.

مؤسسه x-change برای برگزاری جشنواره ادبیات اروپایی، ابتدا به شورای کتاب کودک مراجعه می‌کند، اما برگزاری این جشنواره به وسیله شورایی‌ها، با ما و اگرهای بسیاری روبروست و آن‌ها عملاً قادر نیستند به تنهایی از عهده برگزاری آن برآیند. نوش‌آفرین انصاری، دبیر شورای کتاب کودک، در دومین روز از جشنواره، در گفت‌وگو با روابط عمومی کانون می‌گوید: «از سال ۲۰۰۳ شورای کتاب کودک در جریان برپایی جشنواره ادبیات اروپایی قرار داشت.»

او در ادامه، تنها به ذکر این نکته می‌پردازد که شورای کتاب کودک، از ابتدا علاقه‌مند بوده است کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، با توجه به



امکاناتی که دارد، وظیفه برگزاری جشنواره را برعهده بگیرد. اما این که چرا در طی یک سال، درباره مجری این طرح در سازمان‌های مختلف، اختلاف وجود داشته، نکته‌ای است که هیچ‌گاه به آن پرداخته نمی‌شود. با وجود این، همگان می‌دانند که در زمان‌های مختلف وزارت ارشاد، وزارت امور خارجه و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، درباره برگزاری این جشنواره مدعی بوده‌اند. از طرف دیگر، برگزاری این جشنواره دغدغه نوش‌آفرین انصاری و شورای کتاب کودک بوده و آن‌ها حتی با سازمان دانش‌آموزی نیز در این باره تماس گرفته‌اند.

وحید طوفانی، معاون سازمان دانش‌آموزی و مدیر عامل خبرگزاری کانون دانش‌آموزی (پانا) می‌گوید: «تابستان امسال، خانم انصاری بامن تماس گرفت تا شاید جشنواره ادبیات اروپایی، با همکاری سازمان دانش‌آموزی برگزار شود. البته محلی که در اختیار سازمان دانش‌آموزی است (اردوگاه شهید باهنر، واقع در منظریه)، داخل شهر نیست و مسیر پریپیچ و خمی دارد. با وجود این، من از خانم انصاری خواستم تا طرح خود را ارائه کند. چند روز بعد ایشان زنگ زدند و اعلام کردند که مشکل حل شده است.

حسین ابراهیمی، مسئول خانه ترجمه برای کودکان و نوجوانان نیز در

نهادهای غیردولتی در برگزاری جشنواره، اعتراض می‌کند. در این بیانیه می‌خوانیم: «امروز در شرایطی جشنواره ادبیات کودک و نوجوان اروپا - ایران برگزار می‌شود که نهادهای غیردولتی فعال در حوزه ادبیات کودک و نوجوان، مشارکتی در برگزاری آن ندارند و در حاشیه قرار داده شده‌اند. این در حالی است که این انجمن، پیش از این، در جریان برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب در سال ۱۳۸۱، اعتراض خود را از بی‌توجهی مسئولان دولتی به نهادهای غیردولتی چون انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، ابراز داشته بود.»

در این بیانیه، هم چنین تصریح شده است: «انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، به عنوان یک تشکل غیردولتی، ضمن ابراز خرسندی از برپایی چنین جشنواره‌ای، به حق انتظار داشت در کنار بخش دولتی، در جشنواره حضوری فعال و مؤثر می‌داشت و در کلیه مراحل سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا نقشی در خور خود ایفا می‌کرد؛ به ویژه آن که این جشنواره از سوی یک مؤسسه غیردولتی (x-change) در اتریش پیشنهاد شده است و معمولاً چنین جشنواره‌هایی، در سایر کشورها با مشارکت فعال نهادهای مدنی صورت می‌پذیرد.»

بلافاصله پس از بیانیه انجمن، سید مظفر شجاعی، مدیر جشنواره ادبیات

کودکان اروپایی در ایران، در گفت‌وگو با ایسنا اعلام کرد که کانون بنا داشته این جشنواره را با مساعدت سازمان‌های غیردولتی برگزار کند، اما متأسفانه برخی از این سازمان‌ها، در پاسخ درخواست کانون، تقاضای مبالغ هنگفتی کردند، در حالی که ما هیچ پولی از اتحادیه اروپا دریافت نکرده‌ایم.

این موضوع، در روزنامه آفتاب یزد انعکاس می‌یابد و دبیر انجمن، به دنبال پاسخ به دبیر جشنواره، در گفت‌وگو با ایسنا می‌گوید: «این که جناب شجاعی گفته‌اند که ما طی فراخوانی، همه نهادهای مدنی را برای برگزاری این جشنواره به مشارکت طلبیدیم، به طور قطع در مورد انجمن نویسندگان کودک و نوجوان صدق نمی‌کند و اساساً چنین



پیشنهادی، نه شفاهی و نه کتبی، با انجمن مطرح نشد. بنابراین، مخاطب ایشان در این موضوع که برخی نهادهای مدنی در ازای مشارکت درخواست پول کرده‌اند، نمی‌تواند انجمن باشد.

از طرفی، حتی اگر نهادهای مدنی در ازای مشارکت، درخواست پول کرده باشند، کار ناصوابی انجام نداده‌اند؛ چرا که عرف و قاعده مشارکت در این گونه پروژه‌ها، چنین ایجاب می‌کند.»

از طرف دیگر، خانه ترجمه برای کودکان و نوجوانان نیز مصاحبه مظفر شجاعی را متوجه خود می‌داند و از آن ابراز ناراحتی می‌کند. مسئول این مرکز می‌گوید:

«بیست و سوم شهریورماه یکی از مسئولان کانون با ما تماس گرفت و گفت اگر طرحی دارید، به ما بدهید. من گفتم شما اول مهر می‌خواهید جشنواره را افتتاح کنید و ما در این وقت اندک، طرحی نمی‌توانیم بدهیم. باید با کمک یکی از مؤسسات دیگر طرح بدهیم. گفتند عیبی ندارد. حتی خود آن دوست به ما گفت که برای طرح‌تان برآورد هزینه کنید. ما طرح را بعد از دو سه روز فکر کردن، تهیه و هزینه‌ها را هم تک به تک مشخص کردیم و برای آن‌ها

سخنان خود اعلام می‌کند که پیشاپیش در جریان برگزاری این جشنواره بوده است. وقتی از او می‌پرسم: «چه طور شما در جریان این جشنواره قرار گرفتید؟» پاسخ می‌دهد: «خانه ترجمه ارتباطات گسترده‌ای با نویسندگان و برخی از ناشران کتاب کودک جهان دارد؛ سوئد، انگلیس، فرانسه، آمریکا، آلمان و جاهای مختلف دیگر. سال گذشته، قبل از عید یکی از نویسندگان سوئدی مرتبط با ما، ایمیلی برای من زد و در آن اظهار امیدواری کرد که در هنگام برگزاری جشنواره اروپایی در تهران، برای شرکت در کنگره جهانی آفریقای جنوبی نرفته باشم و در تهران باشم و شما را ببینم. من بلافاصله تحقیق کردم و متوجه شدم که قرار است چنین جشنواره‌ای برگزار شود، ولی هنوز خبرش پخش نشده است. ما از همان موقع این موضوع را در هیأت مدیره خانه ترجمه مطرح کردیم و طرح‌هایی آماده کردیم تا وقتی جشنواره برگزار می‌شود، ما هم بتوانیم ادبیات‌مان را معرفی کنیم و ارتباط یک طرفه نباشد.»

یکی دیگر از حوادث جنجال آفرین جشنواره ادبیات اروپایی، مصاحبه مدیر جشنواره، با خبرگزاری ایستناست. در سومین روز برگزاری جشنواره، انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، با صدور بیانیه‌ای نسبت به عدم مشارکت

فرستادیم. بعد از چند روز خبر دادند که چون بودجه نداریم، نمی‌توانیم این طرح را اجرا کنیم. ما هم قبول کردیم و گفتیم: چون شما درخواست کرده بودید، ما این طرح را تهیه کردیم. بعداً یکی از آقایان در مصاحبه‌ای - که امیدوارم منظورش خانه ترجمه نبوده باشد - گفته بود، بعضی از مؤسسات فرهنگی از ما پول‌های کلان خواسته‌اند. خیلی جالب است. خودشان تماس می‌گیرند و می‌گویند طرح بدهید و برآورد هزینه کنید و بعد از برآورد هزینه می‌گویند بودجه نداریم. سپس مصاحبه می‌کنند که انگار کسی از آن‌ها مثلاً باج سبیل خواسته! مگر کارمندان کانون که آن جا کار می‌کردند، حقوق نمی‌گرفتند؟ آیا کسانی که زحمت می‌کنند و کاری انجام می‌دهند، فقط محض رضای خدا انجام می‌دهند؟ مؤسسه فرهنگی خانه ترجمه مؤسسه خیریه که نیست.»

### بازار اینترنتی جشنواره

هر چه تبلیغات جشنواره ادبیات کودک ایران و اروپا کم است، در عوض پوشش خبری چندجانبه‌ای دارد. جدا از مطبوعات که محدودیت‌های خودشان را دارند، بازار اینترنتی جشنواره داغ داغ است. از یک سو خبرگزاری‌ها، از یک سو سایت کانون و از سوی دیگر وبلاگ‌ها و سایت‌های مختلف، درباره این جشنواره حرف می‌زنند.

### پیش از جشنواره:

زمزمه‌ها در مورد جشنواره، از مدت‌ها قبل از برپایی آن به گوش می‌رسد. چهارم شهریورماه، علی کاشفی خوانساری، دبیر هیأت نظارت بر نشر کتاب کودک و نوجوان، درباره حضور وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این جشنواره، به خبرنگار ایسنا می‌گوید: «البته فرستاده اتریشی با وزارت ارشاد و کانون، توأمأ به مذاکره پرداخت؛ اما نهایتاً به نتیجه رسید که این کار بهتر است توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان که تخصصی‌تر در این زمینه فعالیت می‌کند، انجام شود. بنابراین، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در برگزاری این جشنواره هیچ دخالتی ندارد.»

شنبه، بیست و هشتم شهریور ماه، خبرگزاری ایسنا نیز به ارائه گزارشی در مورد جشنواره می‌پردازد و می‌نویسد: «جشنواره اروپایی ادبیات کودکان و نوجوانان، در حالی روز اول مهر برگزار می‌شود که با انتقاد دست‌اندرکاران نهادهای غیردولتی حوزه کودکان و نوجوانان رو به روست و گفته می‌شود که انجمن نویسندگان کودکان و نوجوانان، به زودی اطلاعاتی در اعتراض به حذف نهادهای غیردولتی از این جشنواره، صادر خواهد کرد.»

مدیر عامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان که این جشنواره را برگزار می‌کند، چندی پیش، از ارسال تعدادی مقاله توسط کارشناسان ادبیات کودک ایران، به این جشنواره خبر داده بود. در حالی که اغلب نویسندگان، از فراخوان مقاله برای این جشنواره اظهار

بی‌اطلاعی می‌کنند.

روز سه‌ام شهریور نیز برای ایسنا روز پرکاری است. در این روز، محمدهادی محمدی، در گفت‌وگو با ایسنا، ناخستگی خود را از به مشارکت نطلبیدن سازمان‌های غیردولتی در برپایی جشنواره ادبیات کودک اروپایی ابراز می‌کند و با اشاره به برپایی چادر ویژه‌ای برای معرفی فعالیت‌های هنری استریدلیندگرن، نویسنده کتاب «پی‌پی جوراب بلند»، در جشنواره کتاب کودک اروپایی در ایران می‌گوید: «ما برای برپایی این جشنواره، درصدد بودیم که سیر تاریخی ادبیات کودکان اروپا در ایران را از دوره مشروطه تا امروز، با اتکا به اسناد مربوط که در اختیار داریم، معرفی کنیم تا آنان که می‌خواهند امروز این نویسنده را به کودکان معرفی کنند، بدانند که آثار این نویسندگان را از ۵۰ سال پیش در ایران بررسی کرده‌ایم، اما چنین مانوری برای ما با عملکرد کانون غیرممکن شد.»

علی اصغر سیدآبادی - دبیر پیشین انجمن نویسندگان کودک و نوجوان - نیز در همین روز، در گفت‌وگو با ایسنا می‌گوید: «ظاهراً یکی از اهداف مهم این جشنواره، تحکیم و تقویت باب گفت و گوی سازمان‌های غیردولتی کشورهاست. اما کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بی‌توجه به این مسئله هم چون گذشته، با حذف نهادهای غیردولتی تلاش کرده است که هم‌چنان یک‌ه تاز میدان باشد.»

در همین روز، روابط عمومی کانون، از قول اشتفان شوارتز، مسئول پروژه مؤسسه x-change در ایران، اعلام می‌کند: «هدف ما از فعالیت در ایران، تداوم برنامه‌های فرهنگی و جشنواره‌هایی مثل ادبیات کودک و نوجوان در این کشور است.»

روز بعد، خبرگزاری سینا از قول مصلح، یکی از نمایندگان انجمن فرهنگی ایران و اتریش در برگزاری جشنواره می‌نویسد: «هدف از برگزاری این جشنواره‌ها دعوت به همکاری NGOها است و قرار نبود سازمان‌های غیردولتی از این برنامه حذف شوند. انجمن فرهنگی ایران و اتریش، هیچ اطلاعاتی در مورد حذف سازمان‌های غیردولتی، مانند شورای کتاب کودک و انجمن نویسندگان نداشت و موافق این کار نبوده است.»

انجمن فرهنگی ایران و اتریش، یکی از ارکان برگزاری جشنواره اروپایی ادبیات کودک است که هماهنگی برنامه‌های جشنواره را بین شرکت X-CHANGE اتریش و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان انجام می‌دهد.

### در ایام جشنواره:

در سومین روز از جشنواره، انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، با صدور بیانیه‌ای، نسبت به مشارکت ندادن نهادهای غیردولتی اعتراض می‌کند که مصاحبه سید مظفر شجاعی - مدیر روابط بین‌الملل و دبیر جشنواره ادبیات کودکان اروپایی ایران - در همین روز با ایسنا، مبنی بر تقاضای دریافت مبالغ هنگفت توسط



نهادها، جنجال می‌آفرینند؛

خصوصاً که روزنامه آفتاب یزد هم در مطلبی، بیانیه انجمن و پاسخ کانون را در یک راستا قرار می‌دهد.

باز در همین روز، در گفت‌وگو با ایسنا، نریمان منصوری، نماینده ایرانی مؤسسه X-change اعلام می‌کند: «هیچ فشاری از طرف هیچ سازمان یا وزارتخانه‌ای، برای برگزاری جشنواره ادبیات کودک اروپایی در ایران، بر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان اعمال نشده است.»

در این روز سینا هم یک گزارش اختصاصی درباره آغاز به کار جشنواره ادبیات اروپایی، در غیبت نهادهای غیردولتی، ارائه می‌دهد. پنج روز بعد افتتاح جشنواره، پیروز قاسمی، در گفت‌وگو با سینا می‌گوید: «برگزاری جشنواره نزدیک به یک سال در اتاق‌های مختلف چرخیده و سرانجام سر از کانون درآورده.»

به عقیده وی، جشنواره از مشارکت بسیاری از افراد طراز اول محروم شده است، اما در هر حال اصل برگزاری چنین جشنواره‌ای خوشحال‌کننده و افتخار آفرین است؛ مشروط به این که آبرومندان برگزار شود.

در این روز، جواد جزینی، نویسنده و پژوهشگر کتاب کودک نیز به خبرنگار میراث خیر می‌گوید: «از اهداف برگزاری این جشنواره، این است که نهادهای غیردولتی کشورهای دیگر و نهادهای فعال حوزه ادبیات کودک و نوجوان، بتوانند این گفت‌وگو را با هم برقرار کنند، اما این اتفاق در کشور ما به صورت شایسته و بایسته‌ای نیفتاده است. نهاد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با تمام سوابق و فعالیت‌هایی که در حوزه کتاب کودک و نوجوان دارد، یک تشکل غیردولتی (NGO) به حساب نمی‌آید. در واقع نهادهای غیردولتی دیگری مثل انجمن نویسندگان کتاب کودک، شورای کتاب کودک، خانه ترجمه و دیگر نهادهایی که در حوزه ادبیات کودک و نوجوان فعال هستند

و برخی از سالیق ادبیات کودک را در بردارند، می‌توانستند در برگزاری این جشنواره مشارکت کنند، اما به دلایلی که مشخص نیست، کانون امکان مشارکت این نهادها را فراهم نکرده است. به همین دلیل، گمان می‌کنم آن انتظاری که از برگزاری این جشنواره داریم که بتواند امکان گفت و گوی دوطرفه را بین نویسندگان کودک و نوجوان ایجاد کند، برآورده نمی‌شود.

هفت روز بعد از برپایی جشنواره، محمد رضا شمس - برنده دیپلم افتخار دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان سال ۲۰۰۴ - که تازه از شهر کیپ‌تاون آفریقای جنوبی بازگشته، در گفت‌وگو با ایسنا، به بی‌برنامگی جشنواره اشاره می‌کند و می‌گوید: «متأسفانه حضور نویسندگان و هنرمندان ایرانی، در بسیاری از این «Work shop»ها با برنامه‌ریزی قبلی توأم نبوده است. چنانچه مصطفی رحماندوست که در سفر آفریقای جنوبی با من همراه بود، بلافاصله پس از بازگشت، برای کار در بخشی

از این «Work shop»ها دعوت شده است.

در دوازدهمین روز از برپایی جشنواره نیز مهدی حجوانی - نویسنده و پژوهشگر ادبیات کودک و نوجوان - در گفت‌وگو با ایسنا می‌گوید: «دوران قیمومیت یک گروه یا محفل بر ادبیات کودک دیگر تمام شده و آن فضا شکننده است. امروز بخش‌های مختلف در حوزه ادبیات کودک فعالند که متأسفانه هیچ کدام در این جشنواره دیده نشده‌اند. چگونه است که نهادی که با بودجه عمومی اداره می‌شود و بناست ظرفیت و امکانات ادبیات کودک را به جهان نشان دهد، به خود اجازه می‌دهد با عملکردی ضعیف که در عملکرد محفلی و نگاه صرفاً پدربزرگانه ریشه دارد، کاری با این وسعت را لوٹ کند؟ کانون باید به منظور ترمیم کاستی‌های خود پس از انقلاب تلاش کند.»

حسین بکایی - نویسنده کودکان و نوجوانان - نیز در همین روز، در گفت‌وگو با ایسنا می‌گوید: «عدم سلامت کانال‌های اطلاع‌رسانی، سبب شده است که نویسنده، تصویرگر، روزنامه‌نگار، همه و همه با این پرسش در جشنواره حضور پیدا کنند که چه اتفاقی در شرف وقوع است و آنان در قبال این اتفاق چه باید بکنند؟»

وی تصریح می‌کند: «اغلب این عزیزان، از حضور در این جشنواره اهداف کوچک و فردی را تعقیب می‌کنند؛ مثلاً به دنبال کسی می‌گردند که آثارشان را در فلان کشور ترجمه کرده است یا دنبال فردی هستند که بیشتر او را دیده‌اند. ضمن آن که دقیقاً نمی‌دانند در مواجهه با نویسندگان یا تصویرگران خارجی چه کنند یا حتی از این هم اسفبارتر، نمی‌دانند کسی که با او مواجه شده‌اند، دقیقاً چه کسی است؟»

دو روز بعد، محمد هادی محمدی بار دیگر از مسکوت ماندن طرح «سیر تاریخی ادبیات کودک اروپا در ایران» گلایه می‌کند و به خبرنگار ایسنا می‌گوید: «بنا بود طرح «سیر تاریخی ادبیات کودک اروپا در ایران» را در چارچوب این جشنواره، با اتکا به اسناد و مدارکی که در اختیار داریم، به نمایش بگذاریم؛ یعنی علاوه بر نمایش اسناد مربوط به ادبیات کودک اروپایی، کتاب‌ها و مترجمان آن‌ها و تاریخچه کوتاهی از زندگی‌نامه آنان را در کنار پلان‌های تصویری، به تصویر بکشیم. بر همین اساس، ما طرح‌مان را حدود نه ماه پیش به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی کردیم اما ظاهراً این طرح مشمول مرور زمان شده و بنابراین، ما نتوانستیم این طرح را که می‌توانست سیر تحولات ۱۵۰ ساله تاریخ ادبیات کودک اروپا در ایران را به تصویر بکشد، اجرا کنیم.»

#### بعد از جشنواره:

شنبه، هجدهم مهر، ایسنا از قول مهندس محسن چینی‌فروشان، مدیر عامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان می‌نویسد: «بیش از ۹۰ درصد برنامه توافقی ما با مؤسسه فرهنگی X-change در طی این جشنواره، عملیاتی شده و ما از این بابت بسیار خرسندیم.»

